

زندگی نامه و تبیین سالروز شهادت سپهبد شهید علی صیاد شیرازی

پس از پایان جنگ تحمیلی سرتیپ صیاد شیرازی در کمیسیون‌های شورای عالی دفاع نقشی فعال داشت. به طور جامع و علمی به مسایل اساسی مرتبط با نیروهای مسلح و دفاع مقدس پرداخت و با مطالعه و تحقیق، راهکارهای مناسبی در رابطه با بهبود یافتن وضعیت دفاعی و تجهیز یگانهای مختلف ارتش ارائه کرد.

به گزارش روابط عمومی هواشناسی استان سمنان، بیست و یکم فروردین ماه سال ۱۳۷۸ سپهبد شهید علی صیاد شیرازی، در پی ترور منافقین کوردل در مقابل دیدگان فرزندان به شهادت رسید. به همین مناسبت مروری بر زندگی‌نامه، رشادتها و عملکرد این فرمانده شهید در دوران دفاع مقدس و پس از آن داریم.

تولد، تحصیل و خدمت

امیر سپهبد شهید علی صیاد شیرازی، فرزند «زیاد»، چهارم خردادماه سال ۱۳۲۳ در شهرستان «درگز» از توابع استان خراسان به دنیا آمد. پس از طی دوران طفولیت، در گرگان به دبستان «منوچهری» رفت و دوره متوسطه را تا سال سوم در دبیرستان‌های «هدایت» و «فخرالدین اسعد گرگانی» در شهرهای شاهرود و گرگان طی کرد. در خردادماه سال ۱۳۴۲ از دبیرستان «امیر کبیر» تهران در رشته ریاضی دیپلم متوسطه گرفت و یک سال بعد در آزمون ورودی دانشکده افسری پذیرفته شد و به تحصیل علوم نظامی پرداخت. سه سال بعد، در مهرماه سال ۱۳۴۶ با درجه ستوان دومی در رشته توپخانه فارغ‌التحصیل شد.

پس از فراغت از تحصیل در شیراز دوره «رنجر» و چتربازی را با رتبه عالی گذراند. در اصفهان دوره تخصصی توپخانه را سپری و از سال ۱۳۴۸ به لشکر زرهی تبریز پیوست و خدمت رسمی خود را در نیروی زمینی آغاز کرد. اولین سمت او افسر دیده‌بان توپخانه و معاون آتشبار بود. اما تخصص در جنگ سرنیزه، مدیریت علمی و مقتدرانه و از سویی ایمان و اعتقاد قلبی به عنایات خاصه الهی حاصل از تمسک به نماز، عزتی را برای ستوان دوم جوان فراهم ساخته بود که اقبال و ارادت ویژه سپهبد یوسفی - فرمانده لشکر تبریز - و سایر افسران و همکاران به او از نشانه‌های آن است. در پایان ۹ ماه حضور وی در تبریز، لشکر مزبور منحل شد. علت اصلی آن فرماندهی لشکر بود که به قول امیر صیاد: «فرمانده محکمی که نه اعلیحضرت می‌گفت و نه هیچ چی».

پس از انحلال لشکر تبریز در اسفندماه سال ۱۳۴۹، به لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه منتقل و در «گردان ۳۱۷» توپخانه به عنوان فرمانده آتشبار مشغول به خدمت شد. وی در همان سال اقامت در کرمانشاه - ۱۳۵۰ - با دختر عموی خود ازدواج کرد.

اوایل سال ۱۳۵۱ در آزمون اعزام به خارج دانش‌آموختگان دانشکده افسری شرکت کرد و پس از قبولی برای تکمیل تخصص توپخانه به آمریکا اعزام شد. وی دوره سه ماهه تخصص «هواسنجی بالستیک» را در شهر «فورت سیل» ایالت «اوکلاهما» با نمره عالی و احرازرتبه اول از میان ۲۰ افسر آمریکایی و ایرانی به پایان رسانید. پس از بازگشت به میهن، در اواخر سال ۱۳۵۲ به اصفهان رفت و در دانشکده توپخانه مشغول تدریس شد و در کنار انجام وظایف نظامی و شغلی، به تدریس زبان انگلیسی به طلاب حوزه علمیه «حاج حسن امامی» می‌پرداخت.

تشکیل گروه مخفی و فعالیت‌های انقلابی

او همزمان شخصیت سیاسی خود را نیز قوام بخشید. ارتباط با شهیدان «کلاهدوز» و «اقارب‌پرست» با توجه به عضویت ایشان در گروه مخفی ارتش از نمونه‌های فعالیت سیاسی او در اصفهان است. وی به عنوان یک نظامی موضع کاملاً مشخصی نسبت به حرکت امام خمینی (ره) و انقلاب داشت، چنانکه به مدت سه روز از نوزدهم بهمن سال ۵۷ تا شامگاه پیروزی انقلاب اسلامی (بیست و دوم بهمن) به اتهام تحریک جوانان و سربازان به شورش و آشوب در پادگان در بازداشت بود و در روزهای پراالتهاب و حساس اولیه پیروزی انقلاب با همکاری آیات عظام «خادمی» و «طاهری» به سوق دادن اوضاع بسوی آرامش و امنیت ایفای نقش کرد.

انجام ۹ عملیات چریکی موفق با شهید چمران

سروان صیاد شیرازی از ابتدای پیروزی انقلاب تا مهرماه سال ۵۸ در اصفهان بود. در این مدت با همکاری نیروهای نظامی و دوستان انقلابی - که بعداً پاسدار شدند - گروه ۳۰ نفره‌ای را تشکیل داد و به حفظ و حراست از پادگان پرداخت. در مهرماه سال ۱۳۵۸ اخبار ناگواری از کردستان می‌رسید، سقوط پادگان مهاباد و غارت تیپ، خصوصاً قتل عام ۲۳ نفر از پاسداران که در پانزدهم مهرماه در حوالی سردشت توسط ضدانقلاب صورت گرفته بود. دکتر چمران، سروان صیاد شیرازی و سرتیپ فلاحی - فرمانده وقت نیروی زمینی ارتش - به بانه آمدند، تیمسار فلاحی در بانه ماند و سایر نفرات با هلیکوپتر به پادگان سردشت رفتند.

در مدت ۱۷ روز حضور در منطقه سردشت با فرماندهی دکتر چمران ۹ عملیات چریکی با موفقیت انجام شد. حضور وزیر دفاع در صحنه نبرد انگیزه‌های مضاعفی برای خدمت بوجود می‌آورد و نتیجه این همکاری سلب آسایش و عقب‌نشینی نیروهای ضد انقلاب شد.

در زمستان سال ۱۳۵۸، قرارگاه عملیاتی غرب در کرمانشاه با فرماندهی سرهنگ صیاد شیرازی تشکیل شد. لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه، لشکر ۱۶ زرهی قزوین، لشکر ۲۸ کردستان و تیپ ۲۳ نیروی مخصوص و تعدادی از پاسداران انقلاب اسلامی هسته اصلی تشکیل قرارگاه بودند. شهید «ناصر کاظمی» فرماندار پاوه و فرمانده سپاه آنجا نیز ارتباطی تنگاتنگ با قرارگاه برقرار کرد. اولین عملیات پس از تشکیل قرارگاه، آزادسازی مریوان و پاکسازی کلیه محورهای مواصلاتی به آن بود.

دلیل عزل صیاد بدست بنی صدر

در همان ایام با بروز برخوردهای سیاسی در میان مسئولین رده بالا (شهید بهشتی و روحانیت با بنی صدر) و کشیده شدن این اختلافات به میان مردم، قرارگاه عملیاتی غرب با هدف متوجه ساختن مسئولین به مسایل کردستان اعلامیه‌ای صادر کرد و خواستار وحدت و یکپارچگی مسئولین و حمایت از مبارزات در کردستان شد.

بنی صدر احساس کرد قرارگاه در حمایت از شهید بهشتی درآمده و بدین طریق نسبت به عزل سرهنگ صیاد شیرازی از فرماندهی قرارگاه غرب مصمم شد و سرهنگ «عطاریان» معدوم را بجای او منصوب کرد.

سرهنگ صیاد به فرماندهی کردستان منصوب شد، اما عملاً به انزوا کشیده شده بود، «طرح والعدایات» را نوشت، اما رئیس جمهور موافقت نکرد. در مدت ۴۴ روز حضورش در منطقه، شهرهای «اشنویه» و «بوکان» آزاد و امنیت نسبی در شمال غرب کشور حکم فرما شد.

صحنه اصلی جنگ در خوزستان - هدف اصلی و اساسی عراق - در جریان بود. آبادان نزدیک به یک سال در حال محاصره و در شرف سقوط بود. نیروهای عراقی به شرق کارون نفوذ کرده و در حال تحکیم موقعیت و پدافند بودند. پنجم مهر ماه سال ۱۳۶۰ یعنی تقریباً یک سال پس از آغاز تجاوز عراق، اولین عملیات آفندی بزرگ ارتش جمهوری اسلامی ایران بنام «ثامن الأئمه» به اجرا درآمد. در یک حمله برق آسا، در مدت دو روز شکست سختی به نیروهای متجاوز وارد شد و با انهدام کامل «لشکر ۳ زرهی» عراق در شرق کارون محاصره آبادان در هم شکست و رویای رژیم بغداد برای تصرف آبادان و کنترل آب راه اروندرود برای همیشه نقش بر آب شد.

پس از اجرای موفقیت آمیز عملیات ثامن الأئمه، جمعی از فرماندهان عالی رتبه نظامی از جمله سر تیپ فلاحی جانشین ستاد مشترک ارتش، سرهنگ فکوری فرمانده نیروی هوایی، سرهنگ نامجوی وزیر دفاع، یوسف کلاهدوز، قائم مقام عملیاتی سپاه پاسداران و محمد جهان آرا فرمانده سپاه خرمشهر در حالی که با یک فروند هواپیمای «سی ۱۳۰» از خوزستان به تهران باز می‌گشتند در اثر سانحه سقوط هواپیما به شهادت رسیدند.

با شهادت فرماندهان عالی رتبه، تغییراتی در کادر بالای ارتش بوجود آمد و با انتصاب «سرتیپ ظهیرنژاد» فرمانده وقت نیروهای زمینی به ریاست ستاد مشترک ارتش، سرهنگ توپخانه، علی صیاد شیرازی به فرماندهی نیروی زمینی منصوب شد.

اینک او پس از آزادسازی اشنویه و بوکان و برقراری امنیت در مناطق آشوب زده شمال غرب کشور با انتصاب به فرماندهی نیروی زمینی به عنوان نخستین اقدام فوری، «قرارگاه مشترک ارتش و سپاه» را در اهواز تشکیل داد و بر مبنای تدبیر کلی و طرح ابلاغی مبنی بر اجرای عملیات در خوزستان بررسی‌های مقدماتی را آغاز کرد.

عملیات طریق القدس در شامگاه هشتم آذر سال ۱۳۶۰ در منطقه عمومی بستان آغاز شد و پس از چهار شبانه روز حمله همه جانبه زمینی و هوایی، شهر بستان و حدود ۶۰۰ کیلومتر از مناطق اشغالی آزاد و ارتباط میان نیروهای دشمن در شمال و جنوب قطع شد و رزمندگان اسلام به مرزهای بین المللی در منطقه «شیب» و «هورالعظیم» رسیدند.

حرکت به سوی خرمشهر از مناسب ترین محور یعنی جاده خرمشهر به اهواز و شرق آن یعنی «رودخانه عرابض» آغاز شد. از سپاه پاسداران «تیپ ۲۷ محمد رسول الله (ص)، تیپ ۱۴ امام حسین (ع)، تیپ ۸ نجف اشرف» و از ارتش تیپ یک لشکر ۲۱ حمزه سیدالشهدا به فرماندهی سرتیپ «شاهین راد» و تیپ سه از لشکر ۷۷ خراسان، حضور داشتند.

دهم اردیبهشت ماه، مرحله نهایی از دو محور آغاز شد. «احمد متوسلیان» و شهید «حسین خرازی» نقش بسزایی در پیشروی نیروها داشتند. شهید خرازی با اجازه مستقیم فرمانده نیروی زمینی با ۷۰۰۰ نفر به خونین شهر حمله کرد و در نهایت خونین شهر در ساعات اولیه صبح روز سوم خرداد ماه سال ۱۳۶۱ آزاد شد.

عملیات «رمضان» روز ۲۲ تیر ۱۳۶۱ انجام و سه قرارگاه فجر، فتح و نصر حملات موج گونه شبانه‌ای را به سوی بصره انجام دادند، عراق برای اولین بار از دفاع متحرک استفاده کردند و با توجه به اینکه در خاک خود دفاع می‌کرد و از تانک پیشرفته «تی ۷۲» بهره می‌برد، توانست پس از تحمل تلفات بسیار پدافند کرده و در نهایت خلاء بوجود آمده در جناح شمالی نیروهای ایرانی، عراق را از بزرگترین شکست نظامی نجات دهد.

پس از عملیات رمضان، ارتش و سپاه پاسداران در سراسر جبهه‌ها اقدام به تقویت نیرو و تجدید سازماندهی و تجهیز قوا کردند. پس از سه ماه در نهم مهر سال ۶۱ عملیات هجومی جدیدی به نام «مسلم بن عقیل(ع)» با فرماندهی فرمانده نیروی زمینی در محور «سومار» آغاز شد، این عملیات یک آفند ضربتی بر توان بود و دو یگان ضربتی ارتش و سپاه هسته اولیه آن بودند، تیپ ۲۷ نیز به فرماندهی سردار شهید «حاج ابراهیم همت» حضوری فعال داشت. تصرف ارتفاعات مشرف بر منطقه استراتژیک و رزمی و اخراج کامل دشمن از منطقه سومار حاصل این حمله بود. پس از «عملیات بدر» و در اوایل سال ۱۳۶۴ با تصویب شورای عالی دفاع، سازمان ارتش و سپاه جدا شد و مقرر شد، هر یک از دو نیرو با اختیار تام، عملیات مستقل انجام دهند.

در این مقطع نیز (تابستان سال ۱۳۶۵) فرمانده نیروی زمینی همراه با حرکت کلی نظام مقدس جمهوری اسلامی در مواجهه با دشمن به عنوان عنصری تعیین‌کننده و رکن اصلی طراحی و اجرای عملیات مطرح بود. به هر حال فرمانده لایق نیروی زمینی، پس از حدود پنج سال انجام وظیفه در مسئولیت خطیر فوق در تیرماه سال ۱۳۶۵ از سمت خود استعفا داد و بلافاصله با پیشنهاد آیت‌الله العظمی خامنه‌ای - ریاست جمهوری وقت - و تصویب رهبر فقید انقلاب به سمت نمایندگی حضرت امام(ره) در شورای عالی دفاع منصوب شد.

ارتقاء درجه به سرتیپی

در روز ۱۸ اردیبهشت‌ماه ۱۳۶۶ به همراه تعداد دیگری از فرماندهان ارتش با پیشنهاد رئیس شورای عالی دفاع و موافقت امام (ره) به درجه سرتیپی ارتقای مقام یافت. اگر چه تا پایان جنگ تحمیلی، تنها موضوع جنگ و حضور مستمر و مفید در جبهه در اندیشه صیاد شیرازی دور می‌زد اما عمده فعالیت شاخص نظامی او در پایان جنگ و درگیری با ضد انقلاب در عملیات «مرصاد» شکل گرفت. او ضد انقلاب را از کردستان می‌شناخت. ضدانقلاب نیز شناخت خوبی از او داشت. او همان افسری بود که قبل از آغاز جنگ مانع از تجزیه کردستان شده بود و در نهایت علت اصلی شهادت او همان؛ مبارزات و ضربات مهلکی بود که بر بیکره ضد انقلاب وارد آورده بود. پس از پذیرش هوشیارانه قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل از سوی حضرت امام(ره)، عراق با منافقین مسلح همراه شده و از محور «سرپل ذهاب» به طرف شهر «کرد» حرکت کرد.

سر تیپ صیاد شیرازی سریعاً خود را به کرمانشاه رسانده و با فعال کردن هوا نیروز و سازماندهی نیروها و طراحی عملیات به همراه فرماندهان سپاه به مقابله با منافقین برخاست و در عملیات مرصاد نقش فوق‌العاده‌ای در پیروزی نهایی ایفا کرد. انهدام منافقین و شکست دشمن، فصل شیرینی از پایان هشت سال جنگ بود.

ایران در مقابل نیمی از ارتش دنیا در پوشش حزب بعث، به شکل قهرمانانه‌ای از مرزهای تاریخی خود دفاع کرد. انقلاب در جنگ صادر و مظلومیت ایران انقلابی در جنگ ثابت شد. پرده از چهره تزویر جهانخواران برداشته شد و ایران دوستان و دشمنان خود را شناخت. بعد از پایان جنگ تحمیلی سرتیپ صیاد شیرازی در کمیسیون‌های شورای عالی دفاع نقشی فعال داشت. به طور جامع و علمی به مسایل اساسی مرتبط با نیروهای مسلح و دفاع مقدس پرداخت و با مطالعه و تحقیق، راهکارهای مناسبی در رابطه با بهبود یافتن وضعیت دفاعی و تجهیز یگانهای مختلف ارتش ارائه کرد.

حضور او در شورا باعث تحرک و پویایی مجموعه شد. از جمله مواردی که به پیشنهاد او جلسات متعدد و اقدامات مثبتی در سطح نیروهای مسلح صورت گرفت می‌توان به طرح راهبردی کلی نظام درباره منافقین و چگونگی برخورد با آنان و نیز بهبود بخشیدن به وضعیت دفاعی و عمرانی جزایر و سواحل مناطق دریایی و مسایل کردستان اشاره کرد.

جانشینی ستاد کل و شهادت/تطبیق جنگ تحمیلی با جنگ‌های صدر اسلام

شهید صیاد ضمن تدریس در دانشگاه افسری و مشورت با محققین حوزه و دانشگاه سعی در بررسی تطبیقی جنگ تحمیلی و جنگ‌های صدر اسلام داشت و به طور جدی در این رابطه به تحقیق پرداخت و در عین حال خواستار ثبت تاریخ انقلاب و جنگ تحمیلی بود و هیأت معارف جنگ در همین راستا توسط ایشان تاسیس شد.

سر تیپ صیاد شیرازی در مهرماه سال ۱۳۶۸ به درخواست رئیس ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح و موافقت مقام معظم رهبری به «معاونت بازرسی کل نیروهای مسلح» انتخاب شد و در شهریورماه سال ۱۳۷۲ با حکم فرمانده معظم کل قوا به سمت «جانشینی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح» منصوب شد و در ۱۶ فروردین ۱۳۷۸ همزمان با عید خجسته غدیر خم به دست مقام معظم رهبری به درجه سرلشکری نایل آمد.

سرانجام در روز بیست و یکم فروردین ماه ۱۳۲۸ در مقابل درب منزل مسکونی خود در تهران مورد هدف عناصر ضدانقلاب قرار گرفت و به فیض شهادت نائل آمد.

در نگاهی اجمالی به شخصیت شهید صیاد شیرازی، مجموعه‌ای کاملاً منسجم از فراهم آمدن خصایل الهی موجد یک انسان کامل دیده می‌شود. او از نظامی بودن، شیعه بودن، ایرانی بودن و بسیجی بودن چیزی کم نداشت. بدون ذره‌ای تلاش برای مطلع شدن، بدون کوچکترین ادعایی برای بودن و بدون حتی اشاره‌ای به افتخارات و ۷۰ درصد جانبازی پهلوانانه. انسان متعهدی که برای ساختن جهان بینی کلی خود نسبت به جهان هستی حداقل ۲۵ سال وقت گذاشت، مطالعه کرد و محاسبه کرد. انقلاب اسلامی و امام گمشده ایدئولوژی او بودند و با یافتن آنها به یقین رسید و مخلصانه تا آخرین لحظه حیات، مجاهدت کرد.

صیاد شیرازی و حمایت از پاسداران انقلاب اسلامی

صیاد شیرازی با حمایت از پاسداران انقلاب، شرکت دادن ایشان در مسایل نظامی و آموزش تخصص‌های لازم بستر اصلی تشکیل قطب نیرومند نظامی دیگری بنام «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» از ایران بعد از انقلاب را فراهم ساخت. یکی از روحیات خاص شهید، گرایش به وحدت و پرهیز از اختلافات بود. او این اعتقاد را در کلیه شئون زندگی خود سرایت داده بود، در بُعد نظامی و در زمان جنگ هدف او در کنار هم جنگیدن رزمندگان بود و در نهایت ثابت شد که هر عملیاتی که وحدت قلبی و همراهی ارگانیکی در نیروها تحت فرماندهی مطلع واحد وجود دارد، فتح بهمراه خواهد داشت. در راستای همین پرهیز از اختلاف، شهید صیاد بعد از جنگ تحمیلی نیز هیچ‌گاه وارد احزاب و گروه‌های سیاسی نشد و در خط واحد ولایت ماند. در باب امور فرهنگی و اجتماعی چنانکه از خاطرات نزدیکان و یادداشت‌های خود او بدست می‌آید وی در عین مشغله کاری فراوان با برنامه‌ریزی مناسب به مطالعه تفاسیر قرآن مجید و مطالعات علمی و اجتماعی پرداخته و حداقل هفته‌ای یک بار به دیدار علما می‌رفت. کمک به خانه و خانواده، تربیت فرزندان با تزریق روحیه اعتماد به نفس و آموزش عملی اصول و مبانی عالیه و اصیل اسلامی در سرلوحه برنامه‌های او بود.

انتهای پیام

روابط عمومی هواشناسی استان سمنان